

برسد . هر فردی ، هر که باشد ، همینقدر که تسلیم طلب و ضد کمونیست نباشد ، میتواند در کار ارگانهای دواتی شرکت جوید . هر حزبی و هر گروهی ، همینقدر که تسلیم طلب و ضد کمونیست نباشد ، تحت قدرت سیاسی ضد ژاپنی باید حق موجودیت و فعالیت داشته باشد .

در مسئله ارتش ، در اعلامیه حزب ما گفته شده است : ما این تصمیم را همچنان مراعات خواهیم کرد که "در ارتشهای دوست بایجاد سازمانهای حزبی دست نزنیم" . هر جا که سازمانهای حزبی محلی هنوز این تصمیم را بطور اکید مراعات نمیکنند ، لازم است که بیدرنگ باصلاح وضع برخیزند . با کلیه ارتشهایی که به اصطکاکات نظامی علیه ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید دست نمیزنند باید رفتاری دوستانه داشت . با ارتشهایی که سابقاً اصطکاکاتی علیه ما برمیآنگیختند ، اگر از چنین اعمالی دست بکشند ، نیز باید به استقرار مجدد مناسبات دوستانه پرداخت . اینست اجرای سیاست جبهه متحد در مسئله ارتش .

بمنظور تأمین نیازمندیهای مقاومت در برابر ژاپن لازم است که در زمینه های امور مالی ، اقتصاد ، فرهنگ ، آموزش و پرورش و در امور امحای عمال دشمن با اجرای سیاست جبهه متحد براساس جرح و تعدیل منافع طبقات مختلف اقدام شود و از يك سو با اپورتونیسیم راست و از سوی دیگر با اپورتونیسیم "چپ" مبارزه بعمل آید .

خصوصیت اوضاع بین المللی کنونی در اینست که جنگ امپریالیستی بر سراسر جهان گسترده میشود و بحران نهایت وخیم سیاسی و اقتصادی که زائیده جنگ امپریالیستی است ، ناگزیر به افروختن انقلاب در بسیاری از کشورها میانجامد . ما دوران نوین جنگها و انقلابها را از سر میگذرانیم . اتحاد شوروی که بگرداب جنگ امپریالیستی کشانده نشده است ، پشتیبان

کمونستهای سرسخت مبارزه میکنیم و با دیگران ، با همه آنها واقعاً خواهان
 وحدتیم . تسلیم طلبان و ضد کمونستهای سرسخت در همه جا اقلیتی بیش
 نیستند . من درباره ترکیب کارمندان یکی از ارگانهای حکومت محلی تحقیق
 کردم ، از ۱۳۰۰ کارمند آنجا ، فقط ۱۰ تا ۱۵ نفر یعنی کمتر از ۱ درصد
 ضد کمونیست سرسخت بودند ، بقیه خواهان وحدت و جنگ مقاومت اند .
 البته ما نمیتوانیم تسلیم طلبان و ضد کمونستهای سرسخت را تحمل کنیم ،
 آنها را تحمل کردن باین معنی است که امکان بدهیم آنها در جنگ مقاومت
 و در وحدت اخلال کنند ؛ از اینجهت باید با گروه تسلیم طلبان مصممانه
 مبارزه کرد ، و همچنین باید هرگونه تعرض عناصر ضد کمونیست
 را با توجه به اصل دفاع از خود مصممانه دفع نمود . اگر اینطور عمل
 نکنیم ، مرتکب اپورتونیزم راست شده ایم که بامر وحدت و جنگ مقاومت
 زبان میرساند . معدک در مورد کلیه کسانی که تسلیم طلب و ضد کمونیست
 سرسخت نیستند ، باید سیاست وحدت بکار برد . در میان اینها اشخاصی هستند
 که دو دل اند ، اشخاصی هستند که تحت اجبار عمل میکنند ، اشخاصی
 هستند که موقتاً گمراه شده اند ، همه این اشخاص را باید بمنظور ادامه وحدت
 و جنگ مقاومت بجانب خویش جلب کنیم . اگر اینطور عمل نکنیم ،
 مرتکب اپورتونیزم "چپ" شده ایم که آن نیز بامر وحدت و جنگ مقاومت
 زبان میرساند . همه اعضای حزب کمونیست باید بدانند که ما متکر جبهه
 متحد ملی ضد ژاپنی هستیم و باید روی آن با فشاری کنیم . اینک که مصائب
 کشور ما هر روز سنگین تر میشود ، اینک که تغییرات عظیمی در اوضاع
 بین المللی بظهور میرسد ، ما باید خطرترین مسئولیت را بر عهده بگیریم .
 مسئولیت مبارزه بخاطر بقاء ملت چین . ما مسلماً باید بر امپریالیسم ژاپنی
 فائق آئیم ، ما مسلماً باید از چین یک جمهوری مستقل ، آزاد و دموکراتیک

سازیم ؛ برای نیل باین مقصود باید اکثریت مطلق اهالی کشور را - هم اعضای احزاب و گروه‌های مختلف و هم کسانی را که عضو هیچ حزب و گروهی نیستند - متحد سازیم . ولی کمونیست‌ها نمیتوانند با دیگران جنبه متحد غیر اصولی تشکیل دهند . از اینجهت ما باید علیه هر اقدامی که بمنظور تحلیل حزب کمونیست ، تعدید حزب کمونیست ، جلوگیری از فعالیت حزب کمونیست و مجازات حزب کمونیست بعمل آید و علیه اپورتونیسیم راست در درون حزب مبارزه کنیم ؛ در عین حال هر هیچ عضو حزب کمونیست مجاز نیست که سیاست جنبه متحد را که حزب در پیش گرفته است ، نامرعی بگذارد و بدین ترتیب همه اعضای حزب کمونیست باید بر اساس اصل مقاومت علیه ژاپن ، کلیه کسانی را که هنوز خواهان مقاومت در برابر ژاپن اند ، متحد سازند و باید علیه اپورتونیسیم "چپ" در درون حزب مبارزه کنند .

بنابراین ما در مسئله قدرت سیاسی هوادار قدرت سیاسی جنبه متحدیم ، عبارت دیگر ما مخالف دیکتاتوری حزب واحد از طرف هر حزب و گروه دیگریم و موافق دیکتاتوری حزب واحد از طرف حزب کمونیست هم نیستیم ، بلکه طرفدار دیکتاتوزی مشترک همه احزاب ، گروه‌ها ، محافل و نیروهای مسلحیم که همان قدرت سیاسی جنبه متحد است . در هر جای پشت جنبه دشمن که قدرت سیاسی دشمن و پوشالی مرتکون شود و قدرت سیاسی ضد ژاپنی برپا گردد ، اعضای حزب کمونیست باید "سیستم سه تلت" را که بتصویب کمیته مرکزی حزب ما رسیده است بکار بندند . کمونیست‌ها باید خواه در ارگانهای دولتی و خواه در ارگانهای نمایندگی خلق فقط يك سوم جاها را اشغال کنند تا آنکه دو سوم دیگر نمایندگان سایر احزاب و گروه‌ها و نه تنها حزب‌ها ، که هوادار جنگ مقاومت بر ضد ژاپن و هوادار دموکراسی اند

همه خلقها و ملل استعداد جهانی میباشد . همه اینها برای جنگ مقاومت چین مساعد است . ولی در عین حال امپریالیسم ژاپن برای هجوم بر کشورهای جنوب شرقی آسیا آماده میشود ، تعرض خود را بر چین تشدید میکند و مسلماً خواهد کوشید بعضی از عناصر متزلزل را در چین به راه تسلیم وادارد ، از اینرو خطر تسلیم طلبی بیش از همه قوت مییابد . چهارمین سال جنگ مقاومت از همه دشوارتر خواهد بود . وظیفه ما آنست که همه نیروهای هوادار مقاومت در برابر ژاپن را متحد سازیم ، علیه تسلیم طلبان مبارزه کنیم ، بر کلیه دشواریها غلبه نمائیم و به جنگ مقاومت در مقیاس ملی استوارانه ادامه دهیم . همه اعضای حزب کمونیست باید با احزاب و ارتشهای دوست از نزدیک متحد شوند تا این وظیفه را انجام دهند . ما یقین داریم که با کوشش مشترک همه اعضای حزب ما ، همه احزاب و ارتشهای دوست ما ، با کوشش همه خلق میتوان بر خطر تسلیم طلبی فایق آمد ، بر دشواریها غلبه کرد ، متجاوزین ژاپنی را بیرون راند و سرزمینهای از دست رفته را بازستاند . دورنمای جنگ مقاومت درخشان است .

www.KetabFarsi.com

در باره سیاست

(۲۵ دسامبر ۱۹۴۰)

در برابر موج ضد کمونیستی که اینک برخاسته است سیاست ما اهمیتی قاطع کسب میکند. ولی بسیاری از کادرهای ما هنوز در نیافته‌اند که سیاست حزب در دوره کنونی باید با سیاست وی در دوره انقلاب ارضی تفاوت بسیار داشته باشد. باید این نکته را در یافت که در تمام دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی، در هر شرایطی که پیش آید، حزب ما سیاست خود را در مورد جبهه متحد ملی ضد ژاپنی عوض نخواهد کرد؛ و بسیاری از سیاستهایی که در دوران ده ساله انقلاب ارضی بکار رفت نمیتواند در لحظه کنونی بهمان صورت از سر گرفته شود. بویژه امروز در دوره مقاومت ضد ژاپنی نمیتوان هیچیک از سیاستهای چپرواته افراطی متعددی را که در دوره اخیر انقلاب ارضی اتخاذ شد عملی ساخت؛ سیاستهای مذکور در همان دوره هم اشتباه‌آمیز بود، زیرا که از عدم درک این دو خصوصیت اساسی انقلاب چین ناشی میشد: یکی اینکه انقلاب چین انقلاب بورژوا -

پروتریستی است در کشور نیمه مستعمره و دیگر اینکه انقلاب چین انقلابی است که در آن حاضر رهنمود درون حزبی است که بوسیله رفیق مائو تسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است.

مصادی است. مثلاً در آن موقع چنین تصور میشد که پنجمین عملیات
 "مبارزه و سرکوب" و مبارزه ما علیه آن نبردی است قطعی بین دو راه
 راه انقلاب و راه ضد انقلاب؛ در آن موقع از بین بردن اقتصادی بورژوازی
 (سیاست کار و سیاست مالی چروانه افراطی) و دهقانان مرفه (واگذاری
 زمین های بد بانها) و از بین بردن نجسبانی مالکان ارضی (استیلا از
 واگذاری زمین بانها) صورت میگرفت؛ نسبت به روشنفکران اعمال فشار
 میشد؛ در مورد سرکوب ضد انقلابیون انحراف "چپ" وجود داشت؛
 کمونیستها ارگانهای قدرت را کاملاً در انحصار خود داشتند؛ کمونیسم
 هدف آموزش همگانی قرار گرفت؛ سیاست نظامی چروانه افراطی (حمله
 بر شهرهای بزرگ و نفی جنگ پارتیزانی) و در کار مناطق سفید، سیاست
 بوجستی اجرا میگردد و در داخل حزب در مجازاتهای انضباطی زیاده روی
 میشد و غیره. این سیاست های چروانه افراطی، مظهری از اپورتونسیسم
 "چپ" بود، نقطه مقابل اپورتونسیسم راست چپ دو میو بود که در دوره
 اخیر جنگ اول انقلابی ظهور رسید. در دوره مذکور فقط وحدت بود
 و مبارزه نبود و حال آنکه در دوره اخیر انقلاب ارضی فقط مبارزه بود و وحدت
 نبود (بامشغای وحدت یا توده های اصلی دهقانان)، اینها بارزترین نمونه
 دو سیاست افراطی است و هر کدام از آنها به حزب و انقلاب زبان بزرگی
 رسانید.

امروزه سیاست ما در مورد جنبه متحد ملی ضد ژاپنی عبارت نیست از
 وحدت بتنهائی و اعراض از مبارزه، و نیز عبارت نیست از مبارزه بتنهائی
 و اعراض از وحدت، بلکه وحدت و مبارزه را با هم ترکیب میکند و بطور
 مشخص عبارت است از:

۱ - اتحاد تمام مردمی که هوادار مقاومت در برابر ژاپنی اند (بسیاری)

کلیه کارگران ، دهقانان ، سربازان ، روشنفکران و صاحبان صنایع و بازرگانی که هوادار مقاومت علیه ژاپن اند (خواجبه متحد ملی ضد ژاپنی ،

۲ - کار برد سیاست استقلال و عدم وابستگی در درون جبهه متحد ، استقلال همقدر ضروری است که وحدت ،

۳ - در زمینه استراتژی نظامی ، مبادرت مستقلانه و مبتکرانه بجنگ پارتیزانی در دائره استراتژی واحد ، جنگ پارتیزانی اساسی است ولی در شرایط مساعد از جنگ متحرک نباید صرف نظر کرد .

۴ - در مبارزه با سرمایه‌داری ضد کمونیست ، بهره‌برداری از تضادهای جلیب اکثریت ، مبارزه با اقلیت ، در هم شکستن یکایک دشمنان ، حق داشتن ، سود جستن و اندازه نگه داشتن .

۵ - سیاست ما در مناطق تحت اشغال دشمن و تحت سلطه گومیندان عبارتست از گسترش جبهه اکثر جبهه متحد از يك طرف و مخفی کاری و فشردگی از طرف دیگر ، یعنی از لحاظ شکل سازمانی و مبارزاتی سیاست ما باید مبتنی باشد بر مخفی کاری و فشردگی ، کار طولانی در حالت مخفی ، جمع آوری نیرو و انتظار فرصت مناسب .

۶ - در مناسبات با طبقات مختلف کشور ، سیاست اساسی ما عبارتست از توسعه نیروهای مترقی ، جلب نیروهای بی‌تاییدی و منفرد ساختن نیروهای سرمایه‌داری ضد کمونیست ،

۷ - در مورد سرمایه‌داری ضد کمونیست باید سیاست انقلابی دوگانه کار برد : متحد شدن با آنها تا آنجا که حاضر به مقاومت در برابر ژاپن اند ، منفرد ساختن آنها در هر موقع که در مبارزه با حزب کمونیست لجاجت می‌ورزند . نظر باینکه مقاومت آنها در برابر ژاپن دارای خصیت دوگانه است ، سیاست ما عبارتست از اتحاد با آنها تا آنجا که علیه ژاپن مقاومت میکنند .

و مبارزه با آنها و منفرد ساختن آنها در هر موقع که تزلزل نشان میدهند (مثلاً آنگاه که با تجاوزکاران ژاپنی سروسر پیدا میکنند و با وان جین وی و سایر خائنان بعثت مبارزه جدی نمیبودازند). این دوگانگی در مبارزه آنها با حزب کمونیست نیز بطور میرمید بطوری که سیاست ما نیز در مورد آنها دو جنبه دارد. متحد شدن با آنها تا آنجا که در ضد گسستن قطعی همکاری گویندگان و حزب کمونیست با آنها نمیمانند. با آنها و منفرد ساختن آنها در هر موقعی که سیاست مرکزی هست، میزنند و بحملات مسلحانه بر ضد حزب ما و بر ضد خلق میروند. این میان این اشخاص که خصیت دوگانه دارند از یک سو و خائنان بعثت و عناصر هوادار ژاپن از سوی دیگر فرق میگذاریم.

۸ - حتی در میان خائنان بعثت و عناصر هوادار ژاپن نیز عناصری میتوان یافت که خصیت دوگانه دارند، در مورد آنها نیز ما باید سیاست انقلابی دوگانه ای بکار بریم. بعبارت دیگر تا آنجا که هوادار ژاپن اند ما با آنها مبارزه میکنیم و آنها را منفرد میگردانیم، اما هر موقع که مردم میشوند در تحریب و جلب آنها میکوشیم. ما میان این اشخاص که خصیت دوگانه دارند و خائنان سرسخت از نوع وان جین وی، وان ای تان (۱)، و شی یوسان (۲) فرق میگذاریم.

۹ - همچنانکه باید میان مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ هوادار ژاپن که مخالف مقاومت اند و مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ هوادار انگلستان و آمریکا که موافق مقاومت اند فرق گذاشت، باید مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ را که خصیت دوگانه دارند بجزایر هوادار مقاومت اند ولی مرددند، هوادار وحدت اند ولی با حزب کمونیست مبارزه بر میخورند از یک طرف و بورژوازی ملی، مالکان ارضی متوسط و کوچک

روشن بین را که دوگانگی شان کمتر است از طرف دیگر از هم
 آهیز داد. سیاست ما بر روی این تفاوتها ساخته میشود. سیاست متنوع ما
 که اینک تشریح شد از آن تفاوتهایی سرچشمه میگیرد که در مناسبات
 طبقاتی وجود دارد.

۱. - سیاست ما نسبت با امپریالیستها نیز بدین منوال است. اگرچه
 حزب کمونیست با همه امپریالیستها مبارزه میکند، معذک باید بین
 امپریالیستهای ژاپن که بتهاجم بر چین دست زدهاند و سایر امپریالیستها
 که فعلاً بتهاجم بر کشور ما دست نزدهاند فرق گذاشت؛ علاوه نیز
 باید بین امپریالیستهای آلمان و ایتالیا که با ژاپن متحد شده و "منچور
 گوه" را بوسیلت شناختهاند و امپریالیستهای انگلستان و آمریکا که
 بمخالفت با ژاپن برخاستهاند فرق گذاشت؛ همچنین باید بین انگلستان
 و آمریکا در دوره‌ای که سیاست مونیخ خاور دور را عملی میساختند و به
 امر مقاومت ما بر ضد ژاپن صدمه میزدند و انگلستان و آمریکای امروز که
 از سیاست مذکور روی برگردانده و بمقاومت ما بر ضد ژاپن روی خوش نشان
 میدهند فرق گذاشت. اصول تا کثیکی ما همچنان عبارتند از بهره‌برداری
 از تضادها، جلب اکثریت، مبارزه با اقلیت، در هم شکستن یکایک
 دشمنان. سیاست خارجی ما با سیاست خارجی گومیندان فرق دارد.
 گومیندان میگویند: "قط یک دشمن در مقابل ماست و سایرین دوستان
 ما هستند"؛ ظاهراً گومیندان همه کشورها غیر از ژاپن را در یک عرض
 قرار میدهند، ولی در واقع هوادار انگلستان و هوادار آمریکاست. اما ما باید
 تفاوتهایی قائل شویم: اولاً بین اتحاد شوروی و کشورهای سرمایه‌داری
 تماماً بین انگلستان و آمریکا از یک سو و آلمان و ایتالیا از سوی دیگر،
 تماماً بین خلق‌های انگلستان و آمریکا از یک سو و دول امپریالیستی این

دو کشور از سوی دیگر ، رابعاً بین سیاست انگلستان و آمریکا در دوره مونیخ خاور دور و سیاست کنونی آنها . سیاست ما بر روی این تفاوت‌ها ساخته میشود . رهنمود اساسی ما بر خلاف گومیندان عبارت از آنست که جنگ را مستقلانه از پیش ببریم و بنیروی خود اتکا کنیم و تحت این اصل از کمک خارجی تا حدی که میسر است استفاده کنیم نه اینکه مانند گومیندان از این اصل روی برتائیم و به کمک خارجی تکیه کنیم و یا بسایه فلان گروه‌بندی امپریالیستی پناه ببریم .

برای آنکه نظریات یکجانبه بسیاری از کادرهای حزب در موضوع تاکتیک اصلاح گردد و از کجروی به چپ یا به راست که نتیجه نظریات یکجانبه است احتراز شود باید تغییرات و تکامل سیاست حزب را در گذشته و حال در کلیه جوانب و در مجموع خود بآنها فهماند . در حال حاضر گرایش عمده خطرناک در حزب ما همچنان نظریات چپروانه افراطی است که قتنه پیا میکند . در مناطق تحت سلطه گومیندان ، بسیاری از کادرها سیاست مبنی بر مخفی‌کاری و فشردگی ، کار طولانی در حالت مخفی ، جمع‌آوری نیرو و انتظار فرصت مناسب را چنانکه باید اجرا نمیکنند ، زیرا آنها سیاست ضد کمونیستی گومیندان را باندازه کافی جدی نمیگیرند ؛ از طرف دیگر عده کثیری از کادرها سیاست گسترش جبهه متحد را عملی نمیسازند زیرا که آنها بسادگی گومیندان را سر تا پا سیاه تصویر میکنند و باین طریق عاطل و باطل مانده‌اند . نظیر همین پدیده‌ها در نواحی تحت اشغال ژاپن نیز دیده میشود . در مناطق تحت سلطه گومیندان و در پایگاههای ضد ژاپنی ، نظرات راست سابقاً بطور جدی موجود بود و هم اکنون بطور عمده از بین رفته‌است ؛ کسانیکه دارای چنین نظرات بودند ، فقط در پی وحدت بودند و مبارزه را از یاد میبردند و تمایلات گومیندان را بمقاومت ضد ژاپنی بیش از اندازه

ارزیابی میکردند و باین طریق فرق اصولی میان گومیندان و حزب کمونیست را میزدودند ؛ آنها بجای اینکه نیروهای انقلابی ضد ژاپنی را جسورانه گسترش دهند و با سیاست گومیندان در مبارزه با حزب کمونیست و تعدید حزب کمونیست بمبارزه قاطع برخیزند ، از سیاست مستقل و عدم وابسته در جبهه متحد دست میکشیدند ، نسبت به مالکان ارضی بزرگ ، بورژوازی بزرگ و گومیندان روش معاشات در پیش میگرفتند و دست و پای خود را باین طریق میبستند . ولی از زمستان ۱۹۳۹ در اثر "اصطکاکات" ضد کمونیستی که بوسیله گومیندان برانگیخته شد و در اثر مبارزه دفاع از خود که از طرف ما صورت گرفت در همه جا يك گرایش "چپ" بظهور رسید . اگرچه این گرایش تا حدی اصلاح شده ولی کاملاً از بین نرفته است و در سیاستهای مشخص متعددی در بسیاری از جاها بچشم میخورد . از اینجهت اینک کاملاً لازم است که سیاستهای مشخص را بررسی و تعیین کنیم .

از آنجا که قبلاً کمیته مرکزی درباره سیاستهای مشخص متوالیاً رهنمودهای متعددی داده است ، ما آنها را فقط در چند نکته خلاصه میکنیم .

درباره ترکیب ارگانهای قدرت . باید "سیستم سه ثلث" را قطعاً عملی ساخت ، بموجب این سیستم کمونیستها فقط يك ثلث از ترکیب ارگانهای قدرت را اشغال خواهند کرد و عده کثیری از غیر کمونیستها به شرکت در آنها جلب خواهند شد . در جیان سوی شمالی و در نقاط دیگری که ما تازه به استقرار قدرت دموکراتیک ضد ژاپنی دست زده ایم نسبت کمونیستها حتی ممکن است از يك ثلث هم کمتر باشد . خواه در ارگانهای دولتی و خواه در ارگانهای نمایندگی خلق باید نمایندگان خرده بورژوازی ، بورژوازی ملی و متنفذین روشن بین را که ضد کمونیست فعال نیستند وارد کرد ؛ اعضای گومیندان را هم که علیه حزب کمونیست قد علم نمیکنند ، باید

در این ارگانها پذیرفت. عده خیلی از عناصر راست را هم میتوان در ارگانهای نمایندگی خلق وارد کرد. در هیچ حالی حزب ما نباید همه چیز را در انحصار خود گیرد. اگر ما دیکتاتوری بورژوازی بزرگ کمپرادور و طبقه مالکان ارضی بزرگ را سرنگون میسازیم برای آن نیست که دیکتاتوری حزب واحد - حزب آکمونست را بجای آن بنشانیم.

در باره سیاست کار، فقط با بهبود شرایط زندگی کارگران میتوان شور و شوق آنها را در مقاومت ضد ژاپنی بالا برد. معدک باید از افراطهای چپروانه احتراز جست، و افزایش دستمزدها و کاهش روزکار نباید از حد بگذرد. امروزه در چین هنوز مشکل است که بتوان در همه جا روز هشت ساعته کار را برقرار ساخت و در برخی از رشته های تولید باید باز هم روز ده ساعته کار را مجاز شمرد. در سایر رشته های تولید باید مدت روز کار را بر حسب شرایط معین کرد. وقتی که بین کار و سرمایه قراردادی منعقد میشود، کارگران باید انضباط کار را مراعات کنند و به سرمایه داران امکان داده شود تا حدی سود بدست آورند. در غیر اینصورت کارخانه ها بسته خواهد شد و این امر به مقاومت ضد ژاپنی و به خود کارگران صدمه خواهد رسانید. بویژه در روستا نباید سطح زندگی و دستمزد کارگران را زیاده از اندازه بالا برد، چنین اقداماتی ممکن است اعتراضاتی را از جانب دهقانان برانگیزد، در بین کارگران موجب پیدایش بیکاری شود و از تولید بکاهد. در باره سیاست ارضی، باید با اعضای حزب و به دهقانان توضیح داد که موقع انقلاب ارضی ریشه ای فرا نرسیده و اقداماتی که سابقاً در دوره انقلاب ارضی بعمل می آمد امروز دیگر بعمل آمدنی نیست. از یک طرف سیاست کنونی ما باید مقرر دارد که مالکان ارضی بهره مالکانه و ترخ سود را تقلیل خواهند داد. فقط در اینصورت میتوان شور و شوق توده های اصلی دهقانان

را در مقاومت ضد ژاپنی برانگیخت ، ولی تقلیل مذکور نباید بیش از اندازه باشد . بطور کلی بهره‌مالکانه باید ۴۵ درصد تقلیل یابد و در آنجا که توده‌ها خواستار تقلیل بیشتری باشند دهقان میتواند ۶۰ الی ۷۰ درصد محصول را برای خود نگه‌دارد نه بیشتر . نرخ ربح نباید بیش از حدی که مناسبات اعتباراتی اقتصاد جامعه اجازه میدهد تنزل یابد . از طرف دیگر سیاست ما باید مقرر دارد که دهقانان بهره‌مالکانه و ربح قرصه را پردازند و مالکان ارضی بر روی زمین و اموال خویش حق مالکیت را حفظ کنند . نرخ ربح نباید چندان تنزل کند که دهقانان از امکان وام گرفتن محروم شوند و تصفیه حسابهای سابق نباید طوری باشد که دهقانان زمین‌هایی را که نزد مالکان ارضی گرو گذاشته‌اند بدون پرداخت بازمانند .

در باره سیاست مالیاتی ، مبلغ مالیات باید بر حسب درآمد معین شود . یاستثنای تهیمنت‌ترین مردم که باید آنها را از مالیات معاف داشت کلیه کسانی که درآمدی دارند ، یعنی بیش از ۸ درصد اهالی و از آنجمله کارگران و دهقانان ، باید مالیات بدولت بدهند ، باز مالیات نباید فقط بر دوش مالکان ارضی و سرمایه‌داران باشد ، این شیوه که اشخاص را بازداشت کنند و از آنها برای مخارج ارتش جرمه بگیرند باید قلعین شود . برای وصول مالیات ، تا وقتی که ما هنوز سیستم جدیدی که مناسب‌تر باشد وضع نکرده‌ایم میتوان با اجرای سیستم گومیندان ادامه داد و آنرا بر حسب لزوم بهبود بخشید .

در باره سیاست امحاء عمال دشمن ، باید خائنان به ملت و عناصر ضد کمونیست سرسخت را مصممانه سرکوب کرد و گرنه نمیتوان از نیروهای انقلابی ضد ژاپنی دفاع کرد . معدلت نباید زیاد اعدام نمود و در هیچ ایستگاهی نباید بیگناهان را شریک جرم دانست . در مورد مرتجعان باید نسبت به

عناصر متزلزل و شرکای اجباری روش جوانمردانه‌ای در پیش گرفت. اعمال شکنجه نسبت به مجرمان، هرکس که باشد، باید اکیداً ممنوع گردد، باید تکیه را روی مدارک و شواهد گذاشت و زیاد باظهارات شفاهی اطمینان نکرد. سیاست ما نسبت به اسیران، خواه از ارتش ژاپن باشند، خواه از سپاهیان پوشالی ویا ضد کمونیست، عبارتست از رها کردن آنان، مگر آنهایی که مورد کینه سخت خلق‌اند و پس از تأیید حکم از طرف مقامات بالا مسلماً باید اعدام شوند. ما باید اسیرانی را که بزور بسربازی برده شده‌اند و روحیه کم و بیش انقلابی دارند بتعداد زیادی برای خدمت به ارتش ما، جلب کنیم و سایرین را باید آزاد ساخت؛ و اگر با ما جنگیدند و دوباره اسیر شدند باید دوباره آزاد ساخت؛ نباید بآنها بدرفتاری کرد، نباید پول و اشیاء خصوصی آنها را مصادره نمود، نباید آنها را وادار باعتراف کرد، بلکه باید در همه حال با آنها رفتاری صدیقانه و مهربانانه داشت. این سیاست باید در مورد کلیه اسیران، هر قدر هم که مرتجع باشند، بکار برده شود. این سیاست در منفرد ساختن اردوی ارتجاع بسیار مؤثر است. به خائنین، مشروط بر اینکه از فعالیت ضد کمونیستی دست برداشته باشند، باید امکان داد که خود را اصلاح کنند، بااستثنای آنهایی که مرتکب جنایات فاحشی شده‌اند؛ اگر خائنین بخواهند براه انقلاب باز گردند میتوان آنها را پذیرفت ولی نباید اجازه داد که دوباره بحزب بپیوندند. مأموران عادی دوائر اطلاعات گومیندان را نباید با جاسوسان ژاپنی و خائنان بملت در یک عرض قرار داد، باید بین آنها فرق گذاشت و با آنها رفتاری متفاوت داشت. باید باین وضع مغشوش که هر اداره‌ای و هر سازمانی میتواند اشخاص را بازداشت کند خاتمه داد؛ باید بمنظور استقرار نظم انقلابی بسود مقاومت ضد ژاپنی مقرر داشت که بااستثنای

واحدهای ارتش که در جریان عملیات‌اند فقط مقامات قضائی و مقامات امنیت عمومی دولت حق بازداشت دارند .

درباره حقوق خلق . باید مقرر گردد که همه مالکان ارضی و همه سرمایه‌دارانی که با جنگ مقاومت ضد ژاپنی بمخالفت برنمیخیزند مانند کارگران و دهقانان از حقوق شخصی ، از حق مالکیت ، از حق رأی ، از آزادی کلام ، آزادی اجتماعات ، آزادی اتحادیه‌ها ، آزادی عقیده و ایمان برخوردارند . ارگانهای دولتی فقط بر ضد کسانی باتخاذ تصمیم دست میزنند که در پایگاههای ما به خرابکاری و یا شورش‌انگیزی پردازند ، سایرین تحت حمایت ارگانهای دولتی خواهند بود و مداخله در کار آنها روا نیست .

درباره سیاست اقتصادی . ما باید صنعت ، کشاورزی و گردش کالاها را فعالانه گسترش دهیم . باید سرمایه‌داران را تشویق کنیم که در صورت تعادل به مناطق پایگاهی ضد ژاپنی بیایند و در آنجا مؤسساتی دایر کنند . باید بنگاههای خصوصی را تشویق کنیم و بنگاههای دولتی را فقط بخشی از مجموع مؤسسات بدانیم . منظور از این اقدامات تأمین نیازمندیهای ما با منابع خودمان است . باید از وارد آوردن لطمه بر هر بنگاه مفیدی اجتناب ورزید . سیاست گمرکی و سیاست پولی باید با سیاست اساسی ما که گسترش کشاورزی ، صنعت و تجارت است بخواند و با آن برخورد نکند . اقتصاد را در سرزمین پایگاهها جداً و دقیقاً و با احتراز از هرگونه بیمبالاتی سازمان دادن ، تا نیازمندی‌های ما با منابع خودمان تأمین شود — اینست شرط اساسی بقاء طولانی پایگاهها .

درباره سیاست فرهنگ و آموزش . باید توجه خود را بر روی ارتقاء سطح معلومات و فن که برای مقاومت ضد ژاپنی ضروری است و بر روی ترویج آنها و همچنین بر روی پرورش غرور ملی در میان توده‌های خلق متمرکز

باید به عناصر پرورهای لیبرال از بین معلمان ، فرهنگیان ، روزنامه نگاران ، دانشمندان ، مهندسان و تکنیسین ها اجازه دهیم که بیابگاههای ما بیایند و با ما در اداره مدارس ، انتشار روزنامه ها و سایر امور همکاری کنند . باید روشنفکرانی را که در کار مقاومت ضد ژاپنی نسبتاً فعال اند به بیابگاههای آموزشی خودمان جلب کنیم ، دوره کوتاهی برای پرورش آنها بگذاریم و سپس آنها را برای کار در ارتش ، در ارگانهای دولتی و کار اجتماعی بفرستیم ؛ باید آنها را بیابگاه بصوف خود جلب کنیم ، مورد استفاده قرار دهیم و بالا بکشیم . نباید از بیم رخنه عناصر مرتجع بدور خود تارنسیم . ناگزیر عده ای از این عناصر بصوف ما رخنه خواهند کرد ولی ما پیوسته فرصت خواهیم داشت که آنها را در جریان آموزش و کار کنار بگذاریم . باید در هر پایگاهی بایجاد چاپخانه ها ، به نشر کتب و روزنامه ها بپردازیم ، دوائر توزیع و تحویل مطبوعات را سازمان دهیم . باید از تمام امکانات استفاده کنیم تا در کلیه پایگاهها مدارس بزرگ کادر دایر شود ، هر چه این مدارس بزرگتر و متعددتر باشد بهتر است .

درباره سیاست نظامی . باید ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید را بعد اکثر توسعه داد زیرا که این ارتشها مطمئن ترین نیروهای مسلحی هستند که خلق چین برای ادامه جنگ مقاومت ملی در اختیار دارد . سیاست ما نسبت به ارتشهای گومیندان مانند سابق عبارت از اینست که تا زمانیکه دیگران بما حمله نکنند ، ما بدیگران حمله نمیکنیم . باید بکوشیم که با آنها مناسبات دوستانه برقرار کنیم . بمنظور تقویت ساختمان ارتش ما از لحاظ نظامی ، باید تا هر اندازه که ممکن است ، افسران هوادار خود را ، خواه عضو گومیندان و خواه بی حزبی باشند ، بارتش هشتم و ارتش چهارم جدید وارد کنیم . این وضع که کمونیست ها همه جا در ارتش ما از جهت

تعداد غلبه دارند نیز باید عوض شود. البته سخن بر سر آن نیست که «سیستم سه تکت» را در واحدهای عمده ارتش خودمان برقرار کنیم، اما تا وقتی که حزب ما رهبری ارتش را در دست دارد (و این شرط ضروری و نقض ناپذیر است) نباید از جلب تعداد کثیری از هواداران شرکت در ساختن ارتش در زمینه‌های نظامی و فنی بهراسیم. در وضع کنونی که حزب ما و ارتش ما توانسته‌اند شاید ایدئولوژیک و سازمانی استواری داشته باشند جلب تعداد کثیری از هواداران (و البته بهیچوجه نه خرابکاران) متضمن خطری نیست و حتی سیاست لازم است که بدون آن نمیتوان علاقه قاطبه ملت را جلب کرد و نیروهای انقلابی را گسترش داد.

سراسر حزب باید این اصول تاکتیک ما در جنبه متحد و همچنین سیاستهای مشخص ناشی از آنها را مصممانه بموقع اجرا بگذارد. در این هنگام که تجاوزکاران ژاپنی تهاجم خود را بر علیه چین شلخت میدهند و مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ در داخل کشور با اجرای سیاست سرکوبی و حملات نظامی بر حزب کمونیست و بر خلق مشغول اند، فقط بکار بردن اصول تاکتیک و سیاستهای مشخص که در بالا تشریح شد ما را به پایداری در جنگ مقاومت ضد ژاپنی، بگسترش جنبه متحد، به جلب علاقه قاطبه خلق و بایجاد تحول مساعدی در اوضاع فعلی قادر میگرداند. معدلتك در عین حال که برقع اشتباهات میپردازیم، باید قدم بقدم عمل کنیم، از شتابزدگی که ممکن است موجب برانگیختن ناخشنودی در بین کادرها، پیدایش بدگمانی در توده‌ها و باعث تعرض متقابل مالکان ارضی و واکنش‌های منفی دیگر گردد پرهیزیم.

یادداشتها

- ۱ - وان ای تان بوروکرات عالی رتبه روزگار دیکتاتورهای نظامی شمال واز خائنان هوادار ژاپن بود . پس از حوادث ۱۹۳۵ در چین شمالی چانکایشک او را بخدمت خود گرفت . وان ای تان که دست‌آموز تجاوزکاران ژاپنی بود در ۱۹۳۸ بریاست " شورای سیاسی چین شمالی " که ارگانی پوشالی بشمار میرفت منصوب شد .
- ۲ - شی یوسان یکی از خیانت‌کارترین دیکتاتورهای نظامی گومیندان بود . پس از آغاز جنگ مقاومت ضد ژاپنی ، آنگاه که وی فرمانده کل دهمین گروه ارتش‌های گومیندان بود با سپاهیان ژاپن در جنوب حه به تبتانی کرده و همواره به حمله بر ارتش هشتم ، به برهم زدن ارگانهای قدرت دموکراتیک ضد ژاپنی و به قتل عام کمونیست‌ها و افراد مترقی میپرداخت .

فرمان و اظهاریه درباره حادثه ان هوی جنوبی

(ژانویه ۱۹۴۱)

فرمان کمیسیون نظامی انقلابی
کمیته مرکزی حزب کمونیست چین

(۲۰ ژانویه ۱۹۴۱ ، ین ان)

آوازه پرافتخار حماسه‌های جنگی ارتش چهارم جدید ارتش انقلابی ملی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی در سراسر کشور و در خارج از مرزهای آن طنین افکنده است . فرمانده این ارتش ، یه تین ، در رهبری عملیات نظامی بر ضد تجاوزکاران خدمات بزرگی انجام داده است ؛ واحدهائی از این ارتش هنگامی که طبق فرمان بسوی شمال حرکت میکرد غافلگیرانه مورد حمله غدارانه‌ای قرار گرفت که بوسیله هواداران ژاپن ترتیب داده شده بود ، و یه تین بسختی مجروح گردید ، گرفتار آمد و بزندان افکنده شد . کمیسیون نظامی انقلابی بر اساس گزارشی که از فرمانده قسمت یکم ارتش چهارم جدید چن ای و رئیس ستاد آن جان یون ای درباره حادثه ان هوی جنوبی

داشته است مراتب انزجار خود را از این جریان اظهار میدارد و
 در آن مرنوشت رقتاست . کمیسیون نظامی انقلابی علاوه بر اتخاذ
 تدابیر لازم بمنظور مقابله با این جنایت فجیع هواداران ژاپن که در جنگ
 مقاومت ضد ژاپنی اخلاص میکنند و به حمله بر ارتش خلق دست میزنند ،
 و جنگ داخلی بر می انگیزند ، بموجب فرمان حاضر جن ای را یکفالت فرمأندهی
 ارتش چهارم جدید ارتش انقلابی ملی ، جان یون ای را به معاونت فرمأندهی ،
 بلای جوان جو را بسمت رئیس ستاد ارتش و دن زی هوی را بسمت رئیس
 اداره سیاسی ارتش منصوب مینماید . کمیسیون نظامی انقلابی به کفیل
 فرمأندهی ارتش چهارم جدید جن ای و به سایر رفقای مذکور در فوق وظیفه
 میدهد که تمام کوشش خویش را در تنسیق ارتش چهارم جلایید یکار بزنند ،
 یکپارچگی آنرا تحکیم و همکاری ارتش را با خلق تقویت کنند ، سه اصل
 خلق را اجرا و از وصایای دکتر سون یاتسن پیروی نمایند ، جبهه متحد
 ملی ضد ژاپنی را استحکام و توسعه بخشند ، برای دفاع از ملت و میهن ،
 بمنظور ادامه جنگ مقاومت تا پیروزی کامل و جهت جلوگیری از حملات
 هواداران ژاپن ، مبارزه کنند .

اظهارده سخنگوی کمیسیون نظامی انقلابی

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین

به خبرنگار خبرگزاری سین هوا

(۲۲ ژانویه ۱۹۴۱)

این حادثه ضد کمونیستی که در جنوب استان ان هوی روی داد از

مدتها پیش تدارك میشد ، آنچه اینك اتفاق افتاده فقط آغاز وقوع حوادث غیرمترقبه در سراسر کشور است . از آن هنگام که تجاوزکاران ژاپنی بانقضاد اتحاد سه گانه (۱) با آلمان و ایتالیا پرداخته اند ، برای آنکه هرچه زودتر بجنگ چین و ژاپن خاتمه داده شود سخت میکوشند که تغییراتی در اوضاع داخلی چین بوجود آورند . هدف آنها اینست که جنبش مقاومت ضد ژاپنی را در چین بنیست خود چینی ها سرکوب کنند و پشت جبهه خویش را برای پیش روی به جنوب تحکیم نمایند تا بتوانند در هم آهنگی با تعرض هیتلر بر انگلستان ، آزادانه بسوی جنوب برانند . مدتهاست که عده کثیری از سرکردگان هواداران ژاپن در چین در ارگانه های مختلف حزبی ، دولتی و نظامی گومیندان در کمین نشسته اند و شب و روز به تحریکات مشغولند . آنها تنظیم نقشه خویش را در پایان سال گذشته کاملاً تمام کردند . حمله غنارافه بر واحدهای ارتش چهارم جدید در جنوب استان ان هوی و انتشار فرمان ارتجاعی ۱۷ ژانویه فقط آغاز اجرای علنی نقشه آنهاست . يك سلسله حوادث بزرگتری در جلوی ماست که یکی پس از دیگری روی صحنه خواهند آورد . نقشه تجاوزکاران ژاپنی و هواداران ژاپن در مجموع چیست ؟ نقشه مذکور متضمن مراتب زیرین است :

- ۱ - انتشار دو تلگراف - مورخ ۱۹ اکتبر و ۸ دسامبر (۲) - با مضایحه بین چینگ و بای چون سی خطاب به چو ده ، پن ده هوی ، یه تین و میان بین بمنظور بسیج افکار عمومی ؛
- ۲ - برآه انداختن تبلیغات در روزنامه ها در مسئله اهمیت انضباط نظامی و اجرای فرمان های نظامی ، بمنظور تدارك برانگیختن جنگ داخلی ؛
- ۳ - نابود ساختن واحدهای ارتش چهارم جدید در جنوب استان

- ۴ - اعلام "شورش" ارتش چهارم جدید و انحلال آن . همه مواد فوق هم اکنون بموقع اجرا در آمده است .
- ۵ - انتصاب تان ئن بوه ، لی پین سیان ، وان جون لیان و حان ده چینگ به فرماندهی ارتش های "سرکوب کمونیستها" در نقاط مختلف چین مرکزی ، انتصاب لی زون ژن به سرفرماندهی همه این ارتش ها و حمله بر واحدهای ارتش چهارم جدید که زیر فرماندهی پون سیون فون ، جان یون ای و لی سیان نیان هستند و هرگاه حمله مذکور قرین موفقیت گردد ، اقدام به حمله بر واحدهای ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید در استان شان دون و در شمال استان جیان سو . در عین حال ارتش ژاپن با آنها از نزدیک همکاری خواهد کرد . اجرای این ماده هم اکنون آغاز شده است .
- ۶ - جستجوی بهانه ای برای اعلام "شورش" ارتش هشتم ، انحلال آن و صدور فرمان دستگیری جو ده و پون ده هوای . اکنون اقدام مذکور در مرحله تدارك است .
- ۷ - بستن دفترهای نمایندگی ارتش هشتم در چون چینگ ، سی ان ، گوی لین ، دستگیری جو ئن لای ، یه جیان یین ، دون بی او ، دن یین چائو . اجرای این ماده آغاز گردیده و دفتر نمایندگی گوی لین بسته شده است .
- ۸ - تعطیل روزنامه « سین هوا ژیبائو » ؛
- ۹ - تعرض بر منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا و تسخیر شهر یین ان ؛
- ۱۰ - اقدام به بازداشت های جمعی رجال ضد ژاپنی و سرکوب جنبش مقاومت ضد ژاپنی در چون چینگ و در همه استانها ؛

۱۱ - از هم پاشاندن سازمان‌های حزب کمونیست در همه استانها و اقدام به بازداشت‌های جمعی کمونیستها ؛

۱۲ - ارتش ژاپن از چین مرکزی و جنوبی بیرون خواهد رفت و دولت گومیندیان این امر را بمنزله " بازستاندن زمین‌های از دست رفته " جلوه خواهد داد و در عین حال بتبلیغ ضرورت انعقاد " صلح شرافتمندانه " خواهد پرداخت ؛

۱۳ - ارتش ژاپن با سپاهیان که از چین مرکزی و جنوبی بیرون میبرد پادگان‌های خود را در چین شمالی تقویت خواهد کرد و به شدیدترین حملات بر ارتش هشتم خواهد پرداخت تا آنکه ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید را با همکاری سپاهیان گومیندیان یکباره نابود سازد ؛

۱۴ - مقارن تعرض بر ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید که يك لحظه هم قطع نخواهد شد ، ارتش گومیندیان و ارتش ژاپن مانند سال گذشته در کلیه جبهه‌های دیگر بحالت متارکه در خواهند آمد و باین وسیله گذار بمرحله قطع کامل جنگ و انعقاد صلح را تدارك خواهند دید ؛

۱۵ - دولت گومیندیان با ژاپن قرارداد صلح امضا خواهد کرد و به اتحاد سه گانه خواهد پیوست . اکنون اجرای کلیه تدابیر فوق را مجدانه تدارك می‌بینند .

اینست نکات عمده نقشه غدارانه ژاپن و هواداران ژاپن . کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در مانیفست خود بتاريخ ۷ ژوئیه ۱۹۳۹ چنین اشعار میداشت : " در لحظه کنونی خطر عمده عبارتست از تسلیم‌طلبی ، و مبارزه با حزب کمونیست تدارك این تسلیم‌طلبی است . " در مانیفست ۷ ژوئیه ۱۹۴۰ چنین گفته میشود : " هرگز خطر تسلیم‌طلبی باین اندازه جدی نبوده است و امروز دشواریهایی که در جنگ مقاومت پیش آمده

بزرگتر از همیشه است. "جوده، پون ده هوای، یه تین و سیان یین در تلگراف خود بتاریخ ۹ نوامبر ۱۹۴۰ (۲) بطور مشخص تر سخن گفتند:

"در کشور ما کسانی هستند که حمله خونین ضد کمونیستی تازه‌ای را بر می‌انگیزند تا راه را برای تسلیم شدن بدشمن هموار گردانند... می‌خواهند، باصطلاح خودشان، از طریق همکاری چین و ژاپن در کارزار 'سرکوب کمونیستها'، بجنگ مقاومت ضد ژاپنی پایان دهند. بجای جنگ مقاومت خواهان جنگ داخلی‌اند، بجای استقلال خواهان تسلیم بدشمن‌اند، بجای وحدت خواهان انشعاب‌اند، بجای نور خواهان ظلمت‌اند، اعمال آنها غدارانه است، نقشه‌های آنها هلاکت‌بار است. خبر آنها همه جا رسیده و دل‌ها را باضطراب انداخته است. هرگز در کشور ما وضعیت خطرناکی مانند امروز بر قرار نبوده است." از اینجبهت حادثه ان هوی جنوبی و فرمان کمیته نظامی چون چینگ بتاریخ ۱۷ ژانویه فقط پیش درآمد يك سلسله حوادث است. بخصوص فرمان ۱۷ ژانویه دارای معنای سیاسی مهمی است. همین امر که نویسندگان فرمان علیرغم مخالفت افکار عمومی جرأت کرده‌اند بصدور چنین فرمان ضد انقلابی مبادرت جویند دال بر تصمیم آنها بر انشعاب کامل و تسلیم قطعی است. بدیهی است که نمایندگان سیاسی مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ چین یعنی طبقاتی که بسیار ضعیف‌اند تنها و بدون ارباب پشت پرده خود جرأت نمی‌کنند قدمی بردارند تا چه رسد باینکه بچنین کارهای عجیبی دست بزنند! بنظر میرسد که در شرایط کنونی بسیار بدشواری میتوان نویسندگان فرمان مذکور را به اعراض از تصمیم خویش وادار کرد و این کار بدون کوشش‌های فوق‌العاده قاطبه مردم و بدون فشار پر زور دیپلماتیک بین‌المللی غیر ممکن است. از این جهت مبرم‌ترین وظیفه قاطبه مردم چین در لحظه حاضر اینست که بسط

حوادث را با هشیاری تمام مراقبت کنند ، برای مقابله با سیاه‌ترین ارتجاع آماده باشند و ذره‌ای غفلت بخود راه ندهند . اگر سؤال شود آینده چین چگونه خواهد بود ، جوابش کاملاً روشن است . حتی اگر تجاوزکاران ژاپنی و هواداران ژاپن باجرای نقشه خویش نائل آیند ، ما حزب کمونیست چین و خلق چین ، نه فقط وظیفه خود خواهیم دانست که دست بکار شویم و وضع را عوض کنیم بلکه نیروی این کار را در خود خواهیم یافت ، ما هرگز نمیگذاریم که تجاوزکاران ژاپنی و هواداران ژاپن سیاهکاری خویش را باخر برسانند . هر وضع تیره و تاری که برقرار شود ، هر راه رنجباری که در آینده پیش‌آید و هر اندازه جان که در این راه نثار گردد (تلفات ارتش چهارم جدید در جنوب استان ان هوی قسمتی از این جانبازی است) بالاخره تجاوزکاران ژاپنی و هواداران ژاپن مغلوب خواهند شد ، و دلایل آن چنین است :

- ۱ - دیگر نمیتوان حزب کمونیست چین را مانند سال ۱۹۲۷ باسانی فریب داد و از پای در آورد . اینک حزب کمونیست چین بصورت حزب سیاسی نیرومندی در آمده است که محکم روی پای خود میایستد .
- ۲ - در میان اعضای احزاب و گروه‌های دیگر چین (و از آنجمله گومیندان) که خطر هولناک اسارت خلق چین آنها را تکان داده است بیگمان عده زیادی یافت میشوند که هوادار تسلیم و خواهان جنگ داخلی نیستند . گرچه برخی از آنان موقتاً گمراه شده‌اند ولی آنها ممکن است در لحظه معین بیدار شوند .
- ۳ - همین مطلب را میتوان در مورد ارتش چین گفت . سپاهیان در اکثر موارد ، تحت اجبار بر علیه حزب کمونیست وارد عمل میشوند .
- ۴ - اکثریت قاطع خلق چین نمیخواهد بصورت بردگان بدون میهن درآید .

- ۵ - اکنون جنگ امپریالیستی در آستانه تغییرات عظیمی قرار دارد .
 طفیلی‌هایی که سرچشمه حیاتشان امپریالیسم است هر چه دست و پا میزنند ،
 روزی رسان پشت پرده آنها از اعتبار خواهد افتاد . همینکه درخت فرو افتد
 و میمون‌ها هر يك از جانبی بگریزند اوضاع دیگری پیش خواهد آمد .
- ۶ - مسئله فرا رسیدن انقلاب در بسیاری از کشورها فقط مسئله
 زمان است . این انقلابات و انقلاب چین مسلماً پشتیبان یکدیگر خواهند
 بود و با مساعی مشترك به پیروزی خواهند رسید .
- ۷ - اتحاد شوروی بزرگترین نیرو در جهان است که جازمانه به
 چین یاری خواهد داد تا جنگ مقاومت ضد ژاپنی را به فرجام برساند .
 ما بنابه دلایل فوق‌الذکر به کسانی که شیفته بازی با آتش‌اند
 ابراز امیدواری میکنیم که اینقدر شوق زده نباشند . ما آنها را رسماً برحذر
 میداریم که احتیاط کنید ، شوخی با آتش خطرناک است ، مبادا سر خود
 را بیازید ! اگر این اشخاص استعداد تفکر خونسردانه دارند باید مراتب
 زیرین را صدیقانه و بسرعت بموقع اجرا درآورند :
- ۱ - در لبه پرتگاه زمام خود را نگهدارند و از فتنه‌انگیزی دست بکشند ؛
 ۲ - فرمان ارتجاعی ۱۷ ژانویه را لغو کنند و خطای خویش را تماماً
 بپذیرند ؛
 ۳ - حه بین چینگ ، گو جو تون و شان گوان یون میان را بمشابه
 مقصرین عمده حادثه ان هوی جنوبی بکیفر برسانند ؛
 ۴ - یه تین را آزاد سازند و دوباره او را در مقام فرماندهی ارتش
 چهارم جدید مستقر گردانند ؛
 ۵ - افراد و اسلحه‌ای را که در حادثه ان هوی جنوبی از ارتش
 چهارم جدید گرفته‌اند تمام و کمال بوی مسترد دارند ؛

۶ - به کلیه فرماندهان و جنگاوران زخمی ارتش چهارم جدید و همچنین به خانواده‌های جنگاوران این ارتش که در جنوب استان ان هوی بهلاکت رسیدند غرامت پردازند ؛

۷ - ارتش‌های "سرکوب کمونیستها" را از چین مرکزی فرا خوانند ؛

۸ - کلیه استحکاماتی را که در شمال غربی بمنظور محاصره برپا شده است (۲) براندازند ؛

۹ - کلیه میهن پرستانی را که بعلل سیاسی زندانی شده‌اند آزاد گردانند ؛

۱۰ - دیکتاتوری حزب واحد را براندازند و رژیم دموکراتیک برقرار کنند ؛

۱۱ - سه اصل خلق را بموقع اجرا درآورند و وصایای دکتر سون یاتسن را رهنمای عمل قرار دهند ؛

۱۲ - سرکردگان هواداران ژاپن را دستگیر سازند و طبق قانون دولت بدادگه بسپارند .

اگر ماده فوق عملی شود ، اوضاع بخودی خود اصلاح خواهد شد و یقیناً ما کمونیستها و قاطبه خلق چین بیش از این مطالبه نخواهیم کرد . اما اگر این مواد عملی نشود با تمام حسن نیت ما ، کمکی از ما ساخته نخواهد بود ، زیرا که " بنظر من ادبار جی سون نه در ملك جوان سیو بلکه در قصر خودش نهفته است " (۴) و مرتجعان سنگی را که برمیدارند بروی پای خود خواهند انداخت . ما به همکاری ارزش میگذاریم ولی لازم است که آنها نیز ارزش بگذارند . باید صریحاً گفت که گذشته‌های ما حدی دارد و دوران گذشته‌ها دیگر سپری شده است . مرتجعان

شمشیر کشیدند و نخستین زخم را زدند ، و این زخم بس عمیقی است . اگر آنها هنوز به آینده هم می اندیشند باید خودشان به مرهم گذاری پردازند . ” جلوی ضرر را هر جا بگیری منفعت است . “ این کار برای خود آنها اهمیت حیاتی دارد و ما نمیتوانیم از آخرین اخطار به آنها خودداری کنیم . هرگاه آنها عناد ورزند و بزیان کاری خود ادامه دهند ، در آن صورت صبر و حوصله خلق چین بسر خواهد رسید و آنها را به زباله دان سرازیر خواهد کرد ، آنگاه توبه سودی نخواهد بخشید . اما در مورد ارتش چهارم جدید ، کمیسیون نظامی انقلابی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در ۲۰ ژانویه فرمانی صادر کرده چن ای را به کفالت فرماندهی آن ارتش ، جان یون ای را بمعاونت فرماندهی ، لای چوان جو را بریاست ستاد و دن زی هوی را بریاست اداره سیاسی منصوب ساخت . آن واحدهائی از ارتش چهارم جدید که در چین مرکزی و جنوب استان جیان سو عمل میکنند هنوز بیش از ۹۰ هزار نفراند ، و اگرچه در زیر ضربات دوگانه — از طرف تجاوزکاران ژاپنی و از طرف سپاهیان ضد کمونیست — قرار گرفته اند ، بیگمان خواهند توانست با نبرد جانبازانه خویش وظیفه ای را که در برابر ملت و میهن برعهده دارند تا پایان انجام دهند . در عین حال واحدهای ارتش برادرش ، ارتش هشتم ، دست روی دست نخواهند گذاشت و راضی نخواهند شد که ارتش چهارم جدید در زیر ضربات دوگانه قرار گیرد بلکه اقدامات مناسب برای کمک لازم به وی اتخاذ خواهند کرد . من این مطلب را بهمه مرتجعان رك اعلام میدارم . اما در مورد اظهاریه سخنگوی کمیته نظامی چون چینگ ، در رد آن کافی است گفته شود که ” کمیته خودش در تضاد افتاده است “ . در فرمان کمیته نظامی چون چینگ گفته شده است که ارتش چهارم جدید ” شورش کرد “ ، ولی اظهاریه سخنگوی

کمیته حاکی است که ارتش چهارم جدید در صدد بود به منطقه مثلث نانکن - شانگهای - حان جو رفته و در آنجا پایگاه ایجاد کند. فرض کنیم که این صحیح باشد، آیا ورود به منطقه مثلث نانکن - شانگهای - حان جو را میتوان "شورش" تلقی کرد؟ سخنگوی کندذهن چون چینگ زحمت این فکر را بخود نداد که بالاخره ارتش چهارم جدید بآنجا میرود تا بر ضد چه کسی شورش کند؟ مگر سرزمین آنجا تحت اشغال ژاپنی‌ها نیست؟ چرا شما اجازه نمیدادید ارتش چهارم جدید بآنجا برود و در صدد برآمدید او را در جنوب استان ان هوی نابود سازید؟ البته کسانی که جان نثار امپریالیسم ژاپن اند همینطور هم باید عمل کنند. از اینجاست منشاء نقشه آنها مبنی بر تمرکز هفت لشکر برای عملیات امحائی، از اینجاست منشاء فرمان ۱۷ ژانویه، از اینجاست علت محاکمه یه تین. ولی میخواهم این نکته را بیفزایم که این سخنگوی کمیته نظامی چون چینگ خراست و او علیرغم میل خودش نقشه‌های امپریالیسم ژاپن را به خلق سراسر کشور بروز داده است.

C. K. S.

P. O. Box 112

Yadداشتها
AUS, A. 18/12

۱ - اشاره است به اتحاد نظامی سه‌گانه که در ۲۷ سپتامبر ۱۹۴۰ در برلن میان آلمان، ایتالیا و ژاپن انعقاد یافت.

۲ - این دو تلگراف بدنام ۱۹ اکتبر و ۸ دسامبر بامضای رئیس ستاد کل دولت گومیندان - چین و معاون او بای چون سی در زمستان ۱۹۴۰، یعنی موقعی که چانگ‌کایشک به دومین حمله خونین ضد کمونیستی مبادرت مینمود مخابره شد. آنها در تلگراف ۱۹ اکتبر ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید را که به جنگ مقاومت سرسخت در پشت جبهه دشمن مشغول بودند بیشرمانه مورد اتهام قرار دادند و حکم کردند

که واحدهای ارتش‌های مذکور که در جنوب رودخانه زرد بر ضد تجاوزکاران ژاپنی عمل میکردند در عرض مهلت مقرر به منطقه شمال رودخانه زرد بروند. در ۹ نوامبر رفقا جو ده، پون ده هوای، یه تین و سیان یین در تلگراف خود در جواب سه یین چینگ و بای چون سی اتهامات بسی‌پایه آنها را با اثکاء به واقعیات رد کردند و در عین حال با توجه بمصالح کشور رضایت دادند که ارتش‌های جنوب استان ان هوی به شمال اعزام شوند. هدف تلگراف مورخ ۸ دسامبر سه یین چینگ و بای چون سی که در جواب تلگراف مورخ ۹ نوامبر جو ده، پون ده هوای، یه تین و سیان یین مخابره شد این بود که "افکار عمومی" را بیش از پیش برای مبارزه با حزب کمونیست تجهیز کند.

۳ - اشاره است به خطوط محاصراتی در پیرامون منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا که بدست مرتجعان گومیندان ترتیب داده شد. گومیندانی‌ها از سال ۱۹۳۹ اهالی را بزور بکار واداشت و در پیرامون منطقه مرزی، پنج خط استحکامات کشیدند که شامل بود بر خندق‌ها، دیوارها و دژها که از چند استان میگذشت: از نین سیا در مغرب آغاز میشد، در طول رودخانه جین در جنوب به رودخانه زرد در مشرق میرسید. تعداد سپاهیان که منطقه مرزی را محاصره کرده بودند در آستانه حادثه ان هوی جنوبی به بیش از ۲۰۰ هزار تن افزایش داده شد.

۴ - کلمات کنفسیوس است از کتاب «لون یو». جی سون در عهد "بهار و پائیز" نویر مملکت لو بود. در آن زمان مملکت کوچکی وجود داشت بنام جوان سیو. جی سون در صدد لشگرکشی به مملکت جوان سیو برآمد. کنفسیوس را عقیده بر آن بود که ادبار جی سون از خارج نمی‌آید بلکه در همان مملکت لو نهفته است.